

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

بسیار متشگرم	شُكْرًا جَزِيلًا	گرفت، برداشت	أَحَذَ
چادر	عِبَاءَةٌ	خرید إِشْتَرَيْتُ: خریدم إِشْتَرَيْتِ: خریدی «مذکر» إِشْتَرَيْتِ: خریدی «مؤنث»	إِشْتَرَيْتُ
پرچم	عَلَمٌ	خورد أَكَلْتُ: خوردم «مؤنث» أَكَلْتُ: خوردم	أَكَلْتُ
داری، نزد تو	عِنْدَكَ	هزار	أَلْفٌ
شُست	غَسَلَ	یا	أَمْ
پیراهنِ زنانه	فُسْتَانٌ	ماند ماندی	بَقِيَ بَقِيَتْ
خواند	قَرَأَ	ویزا	تَأْشِيرَةٌ
بود	كَانَ، كَانَتْ	سیب	تُفَاحٌ، تُفَاحَةٌ
نوشت	كَتَبَ	یاد کرد	ذَكَرَ
هیچ فرقی نیست	لَا فَرْقَ	رفت	ذَهَبَ
چرا، برای چه	لِمَاذَا	نامه	رِسَالَةٌ
راه‌پیمایی	مَسِيرَةٌ	بالا بُرد، برداشت	رَفَعَ
لباس‌ها	مَلَابِسٌ	بازار	سُوقٌ
تو به تنهایی «مذکر» تو به تنهایی «مؤنث»	وَحْدَكَ وَحْدِكِ	مأمورِ پلیس	شُرْطِيّ

فِي السُّوقِ



- 1 - أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
 - 2 - هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
 - 3 - أَمْ ذَهَبْتِ وَحْدَكَ؟
 - 4 - كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
 - 5 - فَلِمَذَا اشْتَرَيْتِ؟
 - 6 - مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
 - 7 - مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

در بازار

- 1 - کجا رفتی ای مادر حمید؟
- رفتم به بازار نجف.
- 2 - آیا چیزی خریدی؟
- بله لباس های زنانه خریدم.
- 3 - آیا به تنهایی رفتی؟
- نه به همراه دوستانم رفتم.
- 4 - قیمت لباس ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟
- مثل ایران فرق نمی کند ولی خریدم.
- 5 - پس چرا خریدی؟
- برای مهدیه خریدم.
- 6 - چه چیزی خریدی؟
- لباس زنانه و چادر.
- 7 - لباس های زیبایی است. در امان خدا.
- خیلی ممنون به سلامت.

صفحه ۷۲ نیز مانند صفحه ۷۱ ترجمه می شود



- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟
 - هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟
 - أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟
 - كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
 - فَلِمَذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجْفِ.
 - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً.
 - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
 - مِثْلَ إِيْرَانِ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
 - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
 - قَمِيصًا وَسِرْوَالًا.
 - شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

فعل ماضى (١)



ماذا قَرَأْتَ؟
 قَرَأْتُ الْقُرْآنَ.
 حبه خواندی؟
 قرآن را خواندم



ماذا أَكَلْتِ؟
 أَكَلْتُ تَفَاحَةً.
 حبه خوردی؟
 سیبی را خوردم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید.
فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رَفَعْتُ: دَهَبْتُ».
از درس چهارم تا پایان درس هشتم با فعل ماضی آشنا می‌شوید.
به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

من انجام دادم.	اول شخص مفرد	أَنَا فَعَلْتُ. (متکلم وحده)	
تو انجام دادی.	دوم شخص مفرد	أَنْتَ فَعَلْتَ. (مفرد مذکر مخاطب)	
		أَنْتِ فَعَلْتِ. (مفرد مؤنث مخاطب)	



أَنَا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيْرَانِ.



أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.

من پیژم را با لایه‌های

من نامه‌ای برای دوستم نوشتم

تو کتاب علمی خواندی

تو کتاب مفیدی را گرفتی

۱ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ، أَ ذَهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر، آیا به هتل رفتم؟ - نه به بازار رفتم

۲. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتم؟ - آن را از آنجا گرفتم

۳. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ وَجْهِي وَ يَدَيَّ لِلْوُضوءِ.

چه چیزی شستم؟ - صورتم و دستم را برای وضو شستم

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدم؟ - پیراهن زنانه و چادر خریدم

۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. كَمْ تَفَاحَةً أَكَلْتَ؟ تَفَاحَتَيْنِ. أَكَلْتُ أَكَلْتِ

۲. أَ أَنْتَ هَدَيْتَكَ؟ أَخَذْتُ أَخَذْتِ

۳. أَنْتِ صَدِيقَتِكَ. ذَكَرْتِ ذَكَرْتُ

۴. أَ أَنْتَ الْعَلَمَ؟ رَفَعْتَ رَفَعْتِ

۵. أَنَا مَلَابِسِي. غَسَلْتُ غَسَلْتِ

الأربعينيات

نفلوای در راه اربعین حسینی

حوارات في مَسِيرَةِ الأَرْبَعِينَ الحُسَيْنِيِّ

عِنْدَ الشَّرْطِيِّ نَزْدَ بَلِيس

گذرنامهات کجاست؟

این گذرنامه ام است.

آیا روادید (ویزا) داری؟

الشَّرْطِيُّ:

- أَيْنَ جَوَازِكَ؟

الزَّائِر:

- هَذَا جَوَازِي.

الشَّرْطِيُّ:

- هَلْ عِنْدَكَ تَأْشِيرَةٌ؟

الزَّائِر:

- نَعَمْ، عِنْدِي. بَلِه دَارِم

الشَّرْطِيُّ:

- كَمْ يَوْمًا بَقِيَتْ هُنَا فِي الكَاظِمِيَّة؟

الزَّائِر:

- يَوْمًا وَاحِدًا. يَك رُوز

الشَّرْطِيُّ:

- كَمْ عَدَدُكُمْ؟

تعدادتان چید نفر است؟

الزَّائِر:

- نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ زَائِرًا. مَا إِلا زائرُستيم

چید روز اینی در کاظمین می مانی؟

